



## Crimes against Judicial Justice in the Pretrial Phase in the Legal System of Iran, France and Lebanon

Noor Hossain Kahrizi<sup>1</sup>, Tayebbeh Bijani Mirza<sup>\*2</sup>, Shahram Mohammadi<sup>3</sup>

1. PhD Student in Criminal Law & Criminology, Department of Law, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

#### Type of Article:

Original Research

Pages: 167-179

#### Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0007-8382-3991

TELL: +988733288661

Email: t.bizhani@iausdj.ac.ir

#### Article history:

Received: 26 Sep 2023

Revised: 22 Nov 2023

Accepted: 29 Nov 2023

Published online: 22 Dec 2023

#### Keywords:

Judicial Justice, Pre-Trial, Iran, France, Lebanon.

### ABSTRACT

One of the important issues of any judicial system is the realization of judicial justice. Of course, judicial justice faces challenges that may prevent its realization. One of the important issues is how the judicial system faces the challenges of judicial justice. This is done in the form of different criminalizations. A comparative study of what is criminalized in the form of crimes against judicial justice can provide a more accurate understanding of Iran's criminal policy approach in this regard. The purpose of this article is to compare the crimes against judicial justice in the pre- and post-prosecution stages in the laws of Lebanon, France and Iran. The research method is descriptive and analytical which is collected through the library method. The findings of the research indicate that in the criminal law of Iran, the legislator has criminalized two categories of illegal behaviors that cause disturbances in the preliminary investigation and proceedings in the Islamic Penal Code and other substantive laws. Also, the French criminal law has assigned a chapter to crimes against the judiciary without dedicating a chapter to this title. The Lebanese criminal laws have an independent part of the criminal laws under the title of crimes against judicial justice in the investigation and issuance stage, in the judgment and execution, for this matter, but the penal law approved in 1995 has sporadically and on different occasions criminalized actions that disturb the process of justice and the realization of the rights of individuals.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Kahrizi, NH; Bijani Mirza, T & Mohammadi, SH (2023). "Crimes against Judicial Justice in the Pretrial Phase in the Legal System of Iran, France and Lebanon". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 167-179.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

## جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله پیش از تعقیب در نظام حقوقی ایران، فرانسه و لبنان

نورحسین کهریزی<sup>۱</sup>، طیبه بیژنی میرزا\*<sup>۲</sup>، شهرام محمدی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

### چکیده

یکی از موضوعات مهم هر نظام قضایی، تحقق عدالت قضایی است. عدالت قضایی البته با چالش‌هایی مواجه است که ممکن است مانع تحقق آن شود. یکی از مباحث مهم، نحوه مواجهه نظام قضایی با چالش‌های فراروی عدالت قضایی است. این امر در قالب جرم‌انگاری‌های مختلف صورت می‌گیرد. بررسی تطبیقی آنچه در قالب جرایم علیه عدالت قضایی جرم‌انگاری شده است، می‌تواند درک دقیق‌تری از رویکرد سیاست جنایی ایران در این خصوص ارائه دهد. هدف مقاله حاضر بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله قبل و بعد از تعقیب در حقوق کشورهای لبنان، فرانسه و ایران است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است که از طریق روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در حقوق کیفری ایران، مقنن دو دسته رفتارهای خلاف قانون که اسباب اخلال در امر تحقیقات مقدماتی و جریان دادرسی را فراهم می‌آورد، در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین ماهوی به شکل پراکنده جرم‌انگاری نموده است. همچنین قانون جزای فرانسه قانون‌گذار فصلی را به جرایم علیه قضایی اختصاص داده، بدون این که فصلی را به این عنوان اختصاص دهد قوانین جزایی لبنان بخشی مستقل از قوانین جزایی را تحت عنوان جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیق و صدور در حکم و اجرا به این امر اختصاص دهد، اما قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به طور پراکنده و به مناسبت‌های مختلف اعمالی که مخل روند عدالت و احقاق حقوق اشخاص است را جرم‌انگاری کرده است.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶۷-۱۷۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکید: ۳۹۹۱-۸۳۸۲-۰۰۷-۰۰۹-۰۰۹

تلفن: +۹۸۸۷۳۳۲۸۸۶۶۱

ایمیل: t.bizhani@iausdj.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

عدالت قضایی، پیش از تعقیب، ایران، فرانسه، لبنان.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

سیستم قضایی هر کشور در روند کاری خود اهدافی را دنبال می‌کند. ایجاد اختلال در این سیستم دستیابی به اهداف مورد نظر را با مشکل مواجه می‌سازد. این سیستم یک ورودی و یک خروجی دارد. از مهم‌ترین اهداف قانون‌گذاری در هر نظام حقوقی، اجرای عدالت و احقاق حق است، اما همواره در طول تاریخ زندگی بشر، موانعی باعث کندی یا انحراف مسیر اجرای عدالت بوده‌اند، از جمله مهم‌ترین این موانع، تهدید کسانی است که به‌نحوی در روند تحقق عدالت قضایی، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. «تهدید بزه‌دیده به عدم طرح شکایت یا استرداد آن، تهدید شهود و مطلعین جرم به عدم ارائه اطلاعات و یا ارائه اطلاعات خلاف واقع و تهدید مقامات و ضابطین قضایی به عدم رسیدگی یا اهمال در انجام وظایف قانونی خود، از جمله موانعی است که تحقق عدالت قضایی را ناممکن می‌سازد. برای رسیدن به عدالت قضایی قانون‌گذاران کشورها اقدام به جرم‌انگاری اعمالی نموده‌اند که در روند اجرای عدالت خلل ایجاد نمایند. از این‌رو هر عملی که مانع اجرای عدالت باشد، جرم علیه عدالت قضایی خواهد بود و تفاوتی نمی‌کند که این جرم در مرحله قبل از تعقیب اتفاق افتد یا پس از آن و یا در حین محاکمه و یا اجرای حکم. عدالت قضایی به‌عنوان واژه مترادف دادرسی عادلانه و منصفانه مورد توجه کلیه مکاتب کیفری قرار گرفته و کم و بیش اصول و ضوابط آن ذکر شده است. هر آنچه در مسیر اجرای قوانین شکلی و تشریفات دادرسی و اجرای حکم خلل وارد نماید، به‌عنوان جرایم علیه عدالت قضایی قابل طرح است. به‌عبارت دیگر جرایم علیه عدالت قضایی، اختصاص به فعل یا ترک فعلی دارد که به‌گونه‌ای مانع تحقق عدالت قضایی در جامعه می‌شوند» (کوشا، ۱۳۸۹: ۸۹). «عدالت قضایی از بزرگ‌ترین اهداف هر نظام قضایی است که در بین تمامی جوامع ادیان و تمدن‌ها به‌عنوان یک ارزش مطرح شده است. برای اجرای عدالت قضایی باید عوامل و موانع آن شناسایی و برطرف شود. از این‌رو اکثر کشورها، در بعد تقنینی، همگام با جرم‌انگاری جرایم علیه عدالت قضایی، این جرم را به‌طور خاص در قوانین کیفری خود گنجانده‌اند» (شمس ناتری، ۱۳۸۷: ۶۶). درخصوص عدالت قضایی، پژوهش‌های

متعددی انجام شده است: غلامحسین آماده در مقاله‌ای به بررسی جرایم علیه عدالت قضایی در قانون مجازات امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران پرداخته است (آماده، ۱۳۸۶: ۶۳). جمال بیگی و اکرم محمدزاده نیز در مقاله‌ای، جرم‌انگاری شکنجه در ایران به‌عنوان جرم علیه عدالت قضایی را مورد بررسی قرار داده است (بیگی و محمدزاده، ۱۳۹۲: ۵۴۰). همچنین محسن فلکی و سیدعباس جزایری، در مقاله‌ای، جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله اجرای حکم در حقوق کیفری ایران را تبیین و تحلیل کرده‌اند (فلکی و جزایری، ۱۴۰۰: ۹۵). در پژوهش‌های انجام‌شده، به عدالت قضایی از منظری خاص پرداخته شده است، اما هدف مقاله حاضر، بررسی جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله پیش از تعقیب در نظام حقوقی ایران، فرانسه و لبنان است. همین امر نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده مورد اشاره است. سؤال مقاله بدین‌شکل قابل طرح است که رویکرد حقوق کیفری ایران، فرانسه و لبنان درخصوص جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله پیش از تعقیب چگونه است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله قبل از تعقیب جرم در حقوق فرانسه و ایران و سپس در حقوق لبنان بررسی شده است.

## ۱- جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله قبل از تعقیب جرم در حقوق فرانسه و ایران

در این قسمت، جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله قبل از تعقیب جرم در حقوق فرانسه و ایران بررسی می‌شود.

### ۱-۱- جرم عدم اعلام جرم

مراجع انتظامی و قضایی از طرق مختلفی ممکن است از وقوع جرم مطلع شوند و یکی از این راه‌های اعلام جرم از سوی افراد می‌باشد. در بند «ب» ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، اعلام جرم از سوی اشخاص عادی یکی از جهات شروع به تعقیب دانسته شده است. عوامل مختلفی از جمله نوع جرم، مکان وقوع جرم بر تصمیم افراد به اعلام جرم تأثیر دارد. باتوجه به محدودبودن امکانات پلیس در کشف جرم، چنانچه ارتکاب جرم از سوی افراد عادی جامعه اعلام نگردد، بسیاری از جرایم کشف نمی‌شود و به‌تبع آن عدالت قضایی به‌طور

اعلام‌کنندگان جرم بوده است، لیکن در مواد مختلف برای اشخاص خاص به واسطه سمتشان و برای جرایم خاص جرم‌انگاری انجام شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است. در ماده ۶۰۶ ق.م.ا جرم عدم اعلام گزارش بزه را برای رؤسا، مدیران و مسؤولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ پیش‌بینی نموده است. از سوی دیگر عدم اعلام در تمامی جرایم برای این افراد پیش‌بینی نشده است و فقط در شش جرم ارتشا، اختلاس، تصرف غیرقانونی، کلاهبرداری، جرایم موضوع ماده ۵۹۹ و جرایم موضوع ماده ۶۰۳ ق.م.ا و آن هم در سازمان با مؤسسه تحت نظرشان جرم تلقی شده است. ماده بعدی ماده ۷۱۱ ق.م.ا است که در متن ماده آمده است: «هرگاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیت‌دار از وجود امکان مذکور در مواد ۷۰۴، ۷۰۵ و ۷۰۶ با اشخاص مذکور در ماده ۷۱۰ مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذی‌صلاح اطلاع ندهند یا برخلاف واقع گزارش نمایند، در صورتی که به موجب قانونی دیگر مجازات شدیدتری نداشته باشند، به سه تا شش ماه حبس و یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند. این ماده در واقع تعیین ضمانت اجرای کیفری برای ضابطان دادگستری است که ملزم می‌باشند در صورت مواجهه با جرم آن را به مقامات صلاحیت‌دار گزارش نمایند» (نجاززادگان و مسعودیان، ۱۳۸۹: ۴۰-۳۳).

آنچه که از ماده ۴۳۴-۱ قانون مجازات فرانسه برمی‌آید، این است که جرم عدم اعلام جنایت با صرف عدم اعلام جنایت تحقق می‌یابد و نیازی به انجام اقداماتی جهت مخفی کردن جرم وجود ندارد. بنابراین رفتار فیزیکی جرم عدم اعلام جنایت در فرانسه، ترک فعل می‌باشد. سؤال دیگری که در خصوص جرم فوق وجود دارد، این است که بعد از اطلاع فرد از وقوع جنایت، وی آن را باید به چه مقاماتی اعلام نماید؟ در پاسخ باید گفت که براساس ماده ۴۳۴-۱ قانون مجازات فرانسه فرد باید مراتب را به مقامات قضایی و اداری صالح اعلام نماید.

«رکن مادی دارای سه بخش رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه است آنگاه رفتار فیزیکی این جرم تنها ترک فعل است، بدین معنا که این جرم تنها با ترک وظیفه‌ای که قانون‌گذار بر افراد تحمیل کرده است، محقق می‌شود و به

کامل تحقق پیدا نمی‌کند. بر همین اساس امروزه سیاست‌گذاران بسیاری از کشورها تحت تأثیر آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی، درصدد تشویق مردم به اعلام هستند تا از این رهگذر عدالت قضایی بهتر تحقق پیدا کند. به علت تأثیری که اعلام جرم در تحقق عدالت قضایی دارد، قانون‌گذاران بسیاری از کشورها افراد عادی جامعه را با وجود شرایطی مکلف می‌کنند که وقوع جرم را به مقامات ذی‌صلاح اعلام کنند و عدم اعلام جرم را جرم تلقی کرده و برای آن مجازات تعیین می‌کنند.

بزه عدم اعلام جرم در ماده ۴۳۴-۱ قانون مجازات فرانسه پیش‌بینی شده است. طبق این ماده: «هرکس نسبت به جنایتی که امکان پیشگیری یا محدود کردن آثار آن وجود دارد، یا نسبت به کسانی که از قابلیت ارتکاب جنایات جدیدی برخوردار بوده و امکان جلوگیری از ارتکاب آن‌ها نیز وجود دارد، آگاهی داشته و مقامات قضایی و اداری را از این امور مطلع نسازد، به مجازات سه سال حبس و چهل و پنج هزار یورو و جزای نقدی محکوم خواهد شد. به استثنای مواردی که جنایات علیه اطفال زیر ۱۵ سال ارتکاب می‌یابد، افراد ذیل از مقررات فوق مستثنی هستند: ۱- والدین در خط مستقیم و زن و شوهر و خواهر و برادر مرتکب یا معاون جنایت و همسران آنان؛ ۲- همسر مرتکب یا معاون جنایت با شخصی که آشکارا در موقعیت زناشویی با وی زندگی می‌کند» (یکرنگی، ۱۳۸۷: ۲۵۱).

ماده دیگری از قانون جزای فرانسه در ارتباط با عدم اعلام جرم ارتكابی علیه بزه‌دیدگان خاص است. در ماده ۴۳۴-۳ بیان داشته است: «هرکس نسبت به بدرفتاری، محرومیت‌ها یا تعرضات جنسی که به طفل زیر ۱۵ سال یا شخصی که به لحاظ سن، بیماری، معلولیت، ناتوانی جنسی یا روانی یا حالت حاملگی قادر به دفاع از خود نباشد، علم و آگاهی داشته باشد و مقامات قضایی با اداری را مطلع نسازد، به سه سال حبس و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی محکوم می‌شود. به غیر از مواردی که قانون به طریق دیگری مقرر داشته است اشخاصی که براساس شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۱۳-۲۲۶ موظف به رازداری هستند، از مقررات فوق مستثنی هستند».

در قوانین کیفری ایران از آغاز قانون‌گذاری تاکنون مقرره‌ای به صورت کلی برای مجازات عدم گزارش‌دهندگان با

اعلام نکند. در حقوق فرانسه باید مرتکب از این امر که اعلام جرم مؤثر در پیشگیری با کاهش آثار جرم با جلوگیری از وقوع جنایت جدید است، مطلع باشد. مرتکب بزه عدم اعلام جرم می‌بایست اراده و آگاهی معتبر جزایی برای این ترک فعل داشته باشد. این جرم نیازمند سوءنیت خاص نیست و تنها سوءنیت عام کافی است (ولیدی، ۱۳۸۹: ۳۵).

#### ۱-۲- اعلام کذب وقوع جرم

«بسیاری از دول برای جلوگیری از به‌کارگیری نیروی بیهوده پلیس و قضایی جرمی را تحت عنوان اعلام کذب وقوع جرم در زرادخانه کیفری خود جای دادند. علت این جرم‌انگاری آن است که پلیس با بودجه کم نمی‌تواند به‌طور کامل همه جرایم را کشف کند، لذا از شهروندان خواسته است که در این زمینه به پلیس یاری رسانند. حال اگر شهروندی جرمی را به کذب اعلام نماید، نه تنها به پلیس یاری نرسانده، بلکه بودجه آن نیز صرف امری بیهوده نموده است. در ماده ۳۳۴-۲ قانون جزای فرانسه در این زمینه مقرر داشته است: «اعلام کذب مربوط به جنایت با جنحه به مقام قضایی با اجرایی که منجر به آن گردد که مقامات قضایی تحقیقات بی‌فایده‌ای را انجام دهند، مستوجب شش‌ماه حبس و هفت‌هزار و پانصدیورو جزای نقدی است» (یکرنگی، ۱۳۸۷: ۸۷).

در قانون جزای ایران در مواد ۶۹۷ و ۶۹۹ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ آمده است که: «هرکس به‌وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به‌وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگری به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون، آن امر جرم محسوب شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جزء در مواردی که مستوجب حد است به یک‌ماه تا یک‌سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق با یکی از آن‌ها محکوم خواهد شد.»

رفتار فیزیکی این جرم فعل است، زیرا که فرد باید اعلام کذبی بنماید، لذا اعلام کذب وقوع جرم با معرفی دیگری به‌عنوان مجرم به‌طور کذب رکن مادی این جرم می‌باشد. از شرایط دیگر برای تحقق این جرم، این است که موضوع اعلامی جرم باشد. در قانون جزای آلبانی این جرم مطلق پیش‌بینی شده است، اما در قانون جزای فرانسه این جرم مفید است، یعنی علاوه بر اعلام کذب جرم باید اعلام کذب منجر

هیچ صورت با فعل قابل تحقق نیست. لازم به ذکر است در برخی موارد که فرد با انجام فعلی مانع کشف جرم می‌گردد، به‌صورت جداگانه‌ای جرم‌انگاری شده است و از تحت شمول این ماده خارج است. قانون جزای فرانسه عبارت مطلع نسازد را به‌کار برده است» (یکرنگی، ۱۳۸۷: ۶۳).

برای تحقق این جرم، علاوه بر ترک فعل یک‌سری شرایط نیز نیاز می‌باشد. با مطالعه تطبیقی دانسته می‌شود در قوانین بسیاری از کشورها این جرم منحصر به عدم گزارش جرایم مهم شده است. برای مثال فرانسه که تقسیم‌بندی جرایم را به جنحه، جنایت و خلاف را در قانون خود پذیرفته است، این جرم را تنها به جنایت منحصر نموده است. شرط دیگر تحقق این جرم آن است که فرد این جرم را به نهادهای ذی‌صلاح اعلام نماید (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۹۱). بدین معنا که در مواد قانونی مربوط به جرم‌انگاری این جرم یک‌سری نهادها برای گزارش جرم پیش‌بینی شده‌اند. برای مثال در فرانسه مقامات قضایی با اداری و را ذکر نموده است، لذا در صورت گزارش جرم به‌غیر از مقامات مذکور در این مواد فرد از مسئولیت کیفری مبرا نخواهد شد. شرط سوم که در برخی کشورهایی چون فرانسه برای این جرم پیش‌بینی شده است، این است که اگرچه جرم باید از درجه جنایی باشد، لیکن عدم گزارش تنها در صورتی جرم است که امکان پیشگیری یا محدودکردن آثار جرم یا پیشگیری از جرایم دیگر که ممکن است مجرم مجدداً مرتکب شود، وجود داشته باشد، در نتیجه طبق قانون این کشور حتی اگر جرم از درجه جنایی باشد، لیکن گزارش با عدم گزارش جرم تأثیری در پیشگیری یا محدودکردن آثار جرم نداشته باشد و شخص علی‌رغم وقوع جرم جنایی آن را گزارش نکند، از نظر این ماده مسئولیت کیفری نخواهد داشت. در قسمت نتیجه باید عنوان داشت این جرم نیازمند هیچ نتیجه‌ای نمی‌باشد (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷۱-۲۶۷).

از حیث عنصر روانی جرم عدم اعلام جنایت باید گفت که مرتکب باید سوءنیت عام و علم داشته باشد. در حقوق آمریکا مرتکب باید عمد در عدم اعلام و اقدام به مخفی‌کردن جنایت داشته باشد و در حقوق فرانسه مرتکب باید عمداً جنایت را



به آن گردد که مقامات قضایی تحقیقات بی‌فایده انجام دهند (جلیوند و یوسفی‌محله، ۱۳۹۲: ۵۴).

رکن روانی این جرم در قسمت علم و آگاهی آن است که فرد باید علم به عدم وقوع جرم و با عدم ارتکاب جرم توسط شخص خاص داشته باشد. بنابراین اگر شخص به اشتباه یا به گمان آنکه فرد به‌واقع مرتکب جرم شده، وی را مجرم اعلام نماید، از شمول این ماده خارج می‌باشد. در قانون جزای فرانسه این جرم مقید و به سوءنیت خاص آن تصریح شده است.

### ۱-۳- تهدید بزه‌دیدگان، شهود، مقامات قضایی

در ابتدا به قانون جزای فرانسه اشاره خواهیم کرد. ماده ۵-۴۳۴ قانون جزای فرانسه بیان داشته است: «هرگونه تهدید با هر عمل ارباب‌انگیز دیگری علیه هر شخصی به‌منظور مجبور ساختن بزه‌دیده یک جنایت با جنحه مبنی بر عدم طرح شکایت با استرداد شکایت مستوجب سه سال حبس و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی است» (اسدی، ۱۳۸۴: ۵۴-۳۷).

تهدید در قوانین کیفری ایران دارای آثار متفاوتی می‌باشد. گاه تهدید شرط تحقق جرم است (ماده ۶۹۴ ق.م.ا). گاه یک کیفیت مشدده محسوب می‌گردد (ماده ۶۵۱ ق.م.ا) و گاه برای سلب مسئولیت از شخص مرتکب رفتار مادی می‌شود و گاه تهدید به‌طور مستقل جرم‌انگاری شده است. در ماده ۶۶۸ تهدید دیگری به الزام دادن سند بیان شده است. در این ماده آمده است: «هرکس با جبر و قهر و یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته و یا سند با امضا و یا مهر نماید و با سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد، به حبس از سه ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» در ماده ۶۶۹ تهدید به قتل با ضررهای شرافتی مالی و ... به‌صورت مطلق پیش‌بینی شده است، «لذا قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی تفاوتی میان تهدید مقامات قضایی با دست‌اندرکاران عدالت قضایی و شهود و مطلعین و کارشناسان و دیگر افراد قائل نشده است و تهدید این اشخاص در حال حاضر ذیل عنوان کلی تهدید می‌باشد. چنانکه بیان شد، قوانین ایران اغلب بدون توجه به شخصیت تهدیدشده، تهدید را جرم‌انگاری نموده است، با درصد

پیشگیری از اجرای تهدید برآمده‌اند، لیکن در برخی موارد قانون‌گذار ایران به شخصیت طرف تهدید توجه نموده است. ماده ۵۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ در این خصوص بیان می‌دارد: «هر نظامی که حین خدمت با در ارتباط با آن، مافوق خود با مراقب با نگرانی را در ارتباط با انجام‌وظیفه آنان تهدید نماید، به حبس از دوماه تا یک‌سال محکوم می‌شود، لذا چنانکه مشخص است این تهدید با عنایت به شخصیت طرف جرم‌انگاری شده است و از تهدید عام خارج است. مورد دیگری که قانون‌گذار ایران به شخصیت طرف تهدید توجه نموده است، نشان‌دادن اسلحه به قصد تهدید در هنگام ترمز است» (یکرنگی، ۱۳۸۷: ۹۰).

براساس ماده ۶۰۷ ق.م.ا: «هرگونه حمله با مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام‌وظیفه آنان به‌عمل آید، ترمز محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است: ۱- هرگاه متمرّد به‌قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد، حبس از شش ماه تا دو سال؛ ۲- هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد، حبس از یک تا سه سال؛ ۳- در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک‌سال»، لذا با عنایت به تمامی مطالب بیان‌شده می‌توان اظهار داشت در حال حاضر ماده‌ای مستقل برای حمایت کیفری از بزه‌دیده، شهود، مقامات و دست‌اندرکاران عدالت قضایی به‌طور مجزا در قوانین ایران وجود ندارد.

### ۲- جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله قبل از تعقیب در حقوق لبنان و تطبیق با ایران

در این قسمت، جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله قبل از تعقیب در حقوق لبنان و تطبیق با ایران بررسی می‌شود.

#### ۲-۱- رشوه و اخلال در نظام اداری

قانون جزایی لبنان در آخرین اصلاحات خود در سال ۱۹۹۹ مواد ۳۵۱ تا ۳۵۵ خود را تحت عنوان «جرایمی که بر اداره عامه نظام واقع می‌شود» قرار داده است.

در این قانون که تحت عنوان باب سوم قانون مجازات لبنان قرار گرفته، در ابتدا آمده است: «هر شخصی که در مؤسسات عام و ادارات و شهرداری‌ها و ارتش و دستگاه قضایی کار می‌کند و هرکارگزار یا مستخدم دولتی و یا هر شخصی که برای انجام

خدمات عام‌المنفعه در مقابل عوض یا بدون عوض انتخاب یا تعیین شده است، منظور تنظیم قانون حاضر است.»

«بنابراین مرتکب جرایم باب سوم قانون جزای لبنان لزوماً بایستی کارمند دولت با مؤسسات و ادارات عام‌المنفعه وابسته به دولت باشد، کسانی که در مؤسسات خصوصی با مؤسساتی که اکثر سرمایه آن‌ها متعلق به بخش خصوصی است، نمی‌توانند مرتکب جرایم مندرج در این باب گردند؛ نکته دیگر این که باتوجه به روح قانون ملاحظه می‌شود که مستخدم دولت لازم نیست که کارمند رسمی دولت باشد؛ هرکسی که در خدمت دولت باشد یا از طرف دولت قادر به انجام وظیفه‌ای است، ولو این که کار خود را به صورت تبرعی و بدون دریافت مزد انجام دهد، مشمول مقررات این باب از قانون خواهد بود» (آقایی، ۱۳۹۳: ۵۱).

اولین ماده این باب به بحث رشوه پرداخته است؛ ماده ۳۵۱ این قانون مقرر می‌دارد: «هر مستخدم رسمی دولت که به انجام کار عام‌المنفعه مأمور شده باشد، اعم از این که به صورت انتخابی باشد، با تعیین هر فردی که به انجام یک امر مهم رسمی تکلیف شده باشد، مانند صدور حکم یا انجام کارشناسی، وعده یا هدیه‌ای با هر منفعت دیگر برای خودش یا دیگری قبول یا مطالبه کند تا در مقابل آن عملی از اعمال شرعی که از وظایف او بوده را انجام دهد، به حبس از سه ماه تا سه سال و پرداخت جزای نقدی در برابر مال مأخوذه محکوم خواهد شد.»

«آنچه در این ماده مهم است، آن است که مرتکب جرم باید از طرف ادارات و مقامات رسمی و دولتی مأمور به انجام کارهای عام‌المنفعه باشد، بنابراین کسی که مشغول به یک کار عام‌المنفعه است، ولی از طرف مقامات رسمی مأموریت ندارد، نمی‌تواند مرتکب این جرم شود. عنصر مادی این جرم مطالبه یا قبول نمودن هدیه یا هر منفعتی است و لازم نیست که خود مرتکب از این هدیه یا منفعت بهره‌مند گردد، بنابراین چنانچه دیگری هم از این هدیه یا منفعت بهره‌مند گردد، برابر صریح قانون فوق شخص مرتکب جرم شده است؛ نکته دیگر این که زمانی ماده فوق اعمال خواهد شد که مرتکب، هدیه یا منفعت را برای انجام دادن عملی از اعمال شرعی که از وظایف او بوده، دریافت نماید، بنابراین عمل مرتکب در قبال

دریافت هدیه یا منفعت، عملی غیرشرعی نیست، بلکه عملی است که او مکلف به انجام آن بوده است و چنانچه عمل مرتکب خارج از وظایف قانونی او بوده یا عملی غیرشرعی باشد، قطعاً مستوجب مفاد این ماده نخواهد بود» (قربانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۹).

قانون‌گذار مجازات مرتکب فعل مجرمانه فوق را سه ماه تا سه سال حبس و جزای نقدی قرار داده است، بنابراین قاضی نمی‌تواند یکی از مجازات‌های فوق را اعمال نماید و مکلف است که دو مجازات فوق را توأم در مورد مرتکب اعمال‌کننده ماده ۳۵۲ قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هر شخصی از اشخاص مذکور در ماده ۳۵۱ برای خودش هدیه یا وعده یا منفعتی را مطالبه یا قبول کند تا عملی برخلاف وظیفه‌اش با آنچه ادعا می‌شود، داخل در وظیفه وی است، انجام دهد یا در انجام عملی که انجام آن بر وی واجب بوده، اهمال کند یا انجام آن را به تأخیر بیندازد، به حبس موقت توأم با اعمال شاقه و جزای نقدی تا سه برابر ارزش مال مأخوذ یا قبول شده محکوم می‌شود.»

ماده ۳۵۵ از قانون مجازات لبنان مقرر می‌دارد: «هرکس بر شخصی از اشخاص ذکرشده در ماده ۳۵۱ هدیه یا منفعتی را عرضه کند یا وعده بدهد، اعم از این که عملی خارج از وظیفه خود را انجام دهد یا انجام ندهد یا اجرای کاری را به تأخیر بیندازد، چنانچه پیشنهاد وی (مبنی بر عرضه هدیه یا وعده منفعت) محقق نشود یا وعده وی قبول نشود، حداقل سه ماه حبس یا به پرداخت جریمه نقدی دو برابر قیمت شیء معروض یا موعود محکوم خواهد شد.»

در حقوق ایران مطابق ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی: «هریک از داوران و میزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیمی نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است، به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد.»

## ۲-۲- اعمال نفوذ

یکی دیگر از جرایمی که روند اجرای عدالت مانع ایجاد می‌کند، اعمال نفوذ است. ماده ۳۵۷ قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هرکس بدون حق، حق‌العمل یا پاداشی برای خود یا

استفاده با قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد.»

اجرای عدالت قضایی ایجاب می‌کند که قضات در تصمیم‌گیری‌ها و صدور رأی و اجرای احکام قطعی مستقل باشند و در جریان اقدام‌های قضایی نباید توصیه‌های خارج از اصول اشخاص و مقام‌های قضایی را مورد توجه قرار دهند و تحت تأثیر متنفذین یا افراد شاخص، مرتکب اقدام خلاف قانون شوند، والا مورد مواخذه و پیگرد انتظامی قرار خواهند گرفت. در ماده ۳ قانون فوق‌الذکر نیز مجاز است اشخاصی که تحت تأثیر اعمال نفوذ قرار گیرند و عملاً اخلال در اجرای عدالت قضایی ایجاد کنند، اشاره نموده است، بدین‌نحو که مستخدمان دولتی با شهرداری با کشوری با مأموران به خدمات عمومی که نفوذ اشخاص را در اقدامات یا تصمیمات اداری خود تأثیر دهند، به محرومیت از شغل دولتی از دو الی پنج سال محکوم می‌شوند و در صورتی که اقدام با تصمیم مزبور مستلزم تقویت حقی از اشخاص یا دولت باشد، محکوم به استفسال ابد از خدمات دولتی خواهند شد، مگر آنکه این عمل مشمول قوانین دیگر جزایی باشد. ماده ۱۸ کنوانسیون مقابله با فساد نیز تحت عنوان دلالتی نفوذ کشورهای عضو را ملزم نموده تا موارد زیر را زمانی که به‌صورت بین‌المللی ارتکاب یابد، جرم تلقی نمایند (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶۷-۲۷۱).

## ۲-۳- تجاوز به آزادی اشخاص

فصل چهارم قانون جزایی لبنان به بحث تجاوز به آزادی اشخاص اختصاص داده شده است. این فصل مشتمل بر سه ماده ۳۶۷، ۳۶۸ و ۳۶۹ می‌باشد. ماده ۳۶۷ مقرر می‌دارد: «هرگاه مقامات قضایی با دیگر مأموران ذی‌صلاح برخلاف قانون کسی را توقیف یا دستور بازداشت او را صادر نماید، به اعمال شاقه موقت محکوم خواهند شد.» مرتکب بزه فوق مقامات قضایی با دیگر مأموران دولتی ذی‌صلاح مثل مأموران پلیس، زندان و ... می‌باشد.

ایراد اساسی ماده فوق آن است که میزان مجازات مرتکب مشخص نشده و این مسأله خلاف اصل قانونی بودن مجازات است. ماده ۳۶۸ مقرر می‌دارد: «اگر مسؤولان و مأموران

دیگری اخذ یا مطالبه کند یا وعده به پرداخت پاداش را قبول کند تا به دیگران کمک نماید، با تلاش خود را جهت کمک به دیگران به‌کار بندد تا شخص ثالثی به وظیفه‌اش عمل نماید یا کاری که به عهده آن‌ها بوده، انجام دهند یا آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد، به حبس از دوماه تا دو سال و به جزای نقدی حداقل دو برابر مال مأخوذه محکوم خواهد شد» (فجر، ۱۳۹۰: ۶۵).

قانون‌گذار لبنانی برای مرتکب جرم فوق هیچ خصوصیتی را قائل نشده است و هرکس اعم از زن و مرد اداری و غیر اداری، نظامی و غیرنظامی می‌تواند مرتکب بزه فوق شود، مهم‌ترین مسأله درخصوص بزه فوق این است که شخص مرتکب با اخذ مال یا وجهی یا قبول وعده پرداخت، تعهد می‌نماید شخص دیگری را که عموماً از مقامات قضایی و اداری می‌باشد، تحت تأثیر خود قرار داده تا کاری را برای شخص ثالث انجام دهد یا کمکی به وی بنماید (کاظمی و فضل، ۱۳۸۸: ۱۳۰). مشابه این مسأله در حقوق جزایی ایران نیز موجود است قانونی تحت عنوان قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب سال ۱۳۱۵ در سیستم قانونی کشور وجود دارد که دقیقاً مشابه با آن چیزی که در ماده ۳۵۷ قانون جزای لبنان مقرر شده می‌باشد، اما قانون حاضر، هرچند صراحتاً یا ضمناً نسخ نشده است، ولی کمتر مورد استفاده قضات و محاکم می‌باشد و تقریباً به‌صورت یک قانون متروکه درآمده است. به‌موجب ماده ۱ این قانون: «هرکس به دعوی اعتبارات و نفوذ در نزدیکی از مستخدمان دولتی با شهرداری با کشوری با مأموران به خدمات عمومی وجه نقد یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالث در ازای اعمال نفوذ نزد مأموران مزبوره از کسی تحصیل کند و با وعده و یا تعهدی از او بگیرد، علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده با قیمت آن به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و به جزای نقدی از یک‌هزارریال تا ده‌هزارریال محکوم خواهد شد» (گلدوست، ۱۳۹۵: ۵۷).

و به‌موجب ماده ۴ قانون مزبور: «هر وکیل عدلیه به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأموران قضایی با اداری یا حکم یا مشهود و اهل خبره وجه یا مال یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالثی از موکل خود به‌عنوان این‌که باید به یکی از اشخاص مذکور بپردازد یا مساعدت آن‌ها را جلب کند، تحصیل نماید یا وعده آن را قبول کند، علاوه بر رد وجه یا مال مورد



مقصود از مقامات قضایی قضات دادگاهها و دادرها می‌باشند و اصطلاحات مزبور شامل کارکنان اداری مراجع مذکور نمی‌باشند (حاجی‌تبار فیروزجانی، ۱۳۹۲: ۶۶).

ذکر یک نکته در مورد ماده فوق ضرورت دارد و آن این‌که در صورتی‌که موارد مندرج در ماده ۵۷۵ مثلاً توقیف متهم مطابق قانون صورت گرفته باشد و مرجع قضایی هم متهم را به زندان‌های قانونی معرفی کرده باشد، اما مأموران به‌جای اعزام متهم به زندان عمومی او را به‌جای دیگری به غیر از زندان برده و در آنجا توقیف نمایند، هیچ مسؤولیتی متوجه قاضی نیست، اما اگر متعاقب صدور قرار بازداشت قاضی دستور دیگری را در محل‌های اختصاصی دهد، مرتکب بزه فوق شده است. ماده ۵۷۳ نیز مقرر می‌دارد: «اگر مسؤولان و مأموران بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیت‌دار شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دوماه تا دوسال حبس محکوم خواهند شد.»

#### ۲-۴- عدم اعلام جرم (جنایت)

ماده ۳۹۸ قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هر لبنانی نسبت به جنایتی که هدف آن برهم‌زدن امنیت دولت و کشور باشد، آگاهی داشته و مقامات قضایی یا اداری را از این امر مطلع نسازد، به مجازات حبس از یک‌سال تا سه‌سال و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم خواهد شد.»

عنصر مادی جرم فوق عدم اعلام است، بنابراین رکن مادی بزه فوق را ترک فعل تشکیل می‌دهد، به‌نظر می‌رسد این ماده از قانون جزای لبنان از ماده ۴۳۴-۱ قانون مجازات فرانسه اقتباس شده است، چه آنکه ماده ۳۴۳-۱ قانون جزای فرانسه مقرر می‌دارد: «هرکس نسبت به جنایتی که امکان پیشگیری یا محدودکردن آثار آن وجود دارد یا نسبت به کسانی که از قابلیت ارتکاب جنایت جدیدی برخوردار بوده و امکان جلوگیری از ارتکاب‌ها نیز وجود دارد، آگاهی داشته و مقامات قضایی یا اداری را از این امر مطلع نسازد، به مجازات حبس تا سه‌سال و جریمه نقدی تا سیصد هزار فرانک محکوم خواهند شد.»

«ماده ۳۹۸ قانون جزای لبنان به‌مثابه ماده ۴۳۴-۱ قانون مجازات فرانسه آحاد ملت را ملزم به اعلام جنایت نموده، یعنی باید این اصل را پذیرفت که هر شخص در جامعه ملزم

بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت بدون اخذ برگ بازداشت صادر از طرف مراجع قضایی و مقامات صلاحیت‌دار شخصی را به نام زندانی بپذیرند یا شخص زندانی را بیش از مدت حبس مقرر در حکم در زندان نگهداری کنند، به حبس از یک تا سه‌سال محکوم خواهند شد.»

«مرتکب جرم ماده ۳۶۸ مسؤولان و مأموران بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها و کانون اصلاح و تربیت وابسته دولت یا دارای مجوز قانونی از دولت هستند و جزء افراد احصاشده در این ماده کس دیگری نمی‌تواند مرتکب بزه فوق شود و عنصر مادی آن عبارت است از: پذیرش زندانی بدون اخذ برگه صادره از مراجع رسمی و آزادنمودن زندانی در پایان دوره محکومیت که هر دو مصادیقی از ترک فعل می‌باشد؛ برخلاف مجازات مقرر در ماده ۳۶۷ مجازات اعمال‌شده توسط قانون‌گذار در این ماده مشخص و میزان آن معلوم است» (نجم‌زادگان و مسعودیان، ۱۳۸۹: ۴۰-۳۳).

ماده ۳۶۹ هم متضمن نوعی ترک فعل مسؤولان و مأموران مذکور در ماده ۳۶۸ است، اما علاوه بر مسؤولان مندرج در ماده ۳۶۹ افراد دیگری هم مورد حکم قانون‌گذار قرار گرفته و آن عبارت است از: «ضابطین قوه قضاییه که به‌موجب قوانین دیگر احصا و مشخص شده‌اند و به‌طور کلی هرکسی که براساس قوانین و مقررات لبنان عنوان ضابط قضایی را دارا است، می‌تواند مشمول ماده فوق گردد.»

به‌موجب این ماده: «هرگاه مأموران و مسؤولان مذکور در ماده قبل و به‌طور کلی همه مقامات و مأموران دولتی که ضابط قوه قضاییه هستند، درآوردن شخص بازداشت‌شده یا زندانی که توسط قاضی نتایج احضار شده است، تأخیر بیندازد یا بی‌اعتنایی کنند، به حبس از یک‌ماه تا یک‌سال محکوم خواهند شد.»

قانون‌گذار ایران در مواد ۵۷۳ و ۵۷۵ از قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ متعرض موارد فوق شده است. ماده ۵۷۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأموران ذی‌صلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند، به انفسال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج‌سال محکوم خواهند شد» (آقایی، ۱۳۹۳: ۵۶).

اما در اعلام آن‌ها بر مقامات جهت کسب تکلیف یا اقدام توسط خود مقامات اهمال یا تأخیر می‌نماید.

در ماده ۴۰۰ قانون جزای لبنان نیز به عدم اعلام جنحه یا جنایتی اشاره شده است که نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد، اما شخص مطلع این جنحه یا جنایت را به مقامات قضایی و اداری اطلاع نمی‌دهد، مجازات این بزه همان مجازات مقرر در ماده ۳۹۹، یعنی جزای نقدی است اصولاً تفاوت مشهود بین این ماده با مواد قبل از آن نیست.

در حقوق ایران چیزی شبیه به آنچه در حقوق جزای لبنان و فرانسه درخصوص عدم اعلام جنایت است، مشهود نمی‌باشد و اصولاً قانون‌گذار ایران به این مسأله توجه خاصی نشان نداده است (که البته با توجه به اهمیت برخی جرایم، مثل قتل عمد باید مورد توجه قرار گیرد).

هرچند که به‌طور محدود در برخی از قوانین خاص می‌توان مصادیقی را پیدا کرد که شبیه به جرم عدم اعلام جنایت در حقوق فرانسه و لبنان است. به‌عنوان مثال خودداری از اعلام کودک‌آزاری توسط کلیه کارمندان مؤسسات و مراکزی که به‌نحوی مسؤولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را برعهده دارند، مستند به ماده ۶ قانون موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام ننمایند، به حبس تا شش‌ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال محکوم خواهند شد.

این تمهید قانون‌گذار ایران از آن جهت است که کودکان به علت ناتوانی جسمانی و عقلی قادر به اعلام شکایت و احقاق حقوق خویش نیستند، اما از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق موارد کودک‌آزاری توسط افراد مؤسساتی که مسؤول نگهداری کودکان هستند، ارتکاب می‌یابد، محدود نمودن این تکلیف به افرادی خاص چاره‌ساز نمی‌باشد و بهتر بود مقتن، کلیه افرادی را که با کودک زندگی می‌کنند یا در حیطه وسیع‌تر، کلیه افراد جامعه را در این مشارکت، سهیم می‌نمود.

مصدق دیگر را در رابطه با عدم اعلام جرم، خودداری از اعلام جرایم اقتصادی می‌باشد، بدین‌نحو که تبصره ۲ ماده ۱ قانون مجازات اخلاص گران نظام اقتصادی کشور (مصوب

به اعلام جرایم جنایی می‌باشد. شرایط تحقق این جرم عبارت‌اند از: ۱- عدم اعلام جرم؛ ۲- جنایی‌بودن جرم؛ ۳- جنایتی که هدف آن‌ها برهم‌زدن امنیت کشور باشد؛ ۴- آگاهی‌داشتن مرتکب از جنایت، بنابراین زمانی این بزه محقق می‌شود که شهروند لبنانی از بزه به هر طریقی مطلع بوده و جرم ارتكابی نیز از درجه جنایی باشد و هدف مرتکب جنایت نیز برهم‌زدن امنیت کشور باشد و شخص مطلع مقامات اداری و قضایی را مطلع نسازد، عنصر روانی بزه فوق نیز عمد است، یعنی امتناع و خودداری باید از روی اراده باشد» (کوشا، ۱۳۸۹: ۲۰).

مجازات بزه فوق حبس از یک تا سه‌سال و علاوه‌بر آن محرومیت از حقوق اجتماعی است. ماده ۳۹۹ قانون مجازات لبنان که آخرین بار در تاریخ ۱۹۹۳/۰۵/۲۷ اصلاح شده است، مقرر می‌دارد: «هریک از مقامات و مسؤولان دولتی که وظیفه کشف جرم و ملحقات آن اعم از حفظ آثار و دلایل جرم را به عهده دارند، در انجام وظیفه محوله اهمال کند و یا در اعلام جرم و جنایتی که به آن آگاهی دارد، تأخیر بیندازد، به مجازات از یک‌ماه تا سه‌سال حبس و جریمه نقدی از بیست‌هزارلیره تا دویست‌هزارلیره محکوم خواهد شد.» در این ماده قانون‌گذار عدم اعلام جرم را مد نظر قرار نداده است، بلکه اهمال و تأخیر در انجام وظیفه را مورد توجه قرار داده است که عنصر معنوی این بزه با آنچه در ماده ۳۹۸ می‌باشد، متفاوت است. در این ماده مرتکب قصد عدم اعلام را ندارد، بلکه در انجام وظیفه خود کوتاهی می‌کند و مرتکب این جرم برخلاف ماده ۳۹۸ مقامات و مسؤولان دولتی است و آن‌هم مقاماتی که وظیفه آن‌ها حفظ آثار و دلایل جرم است یا مقامات و مسؤولانی است که از وقوع جرم آگاهی دارند. تبصره ذیل این ماده مقرر می‌دارد: «هریک از مقامات و مأموران دولتی که در اثنای انجام وظیفه یا به‌موجب آن به وقوع جنایت یا جنحه‌ای آگاهی پیدا کند و در اعلام آن به مقامات قضایی یا اداری اهمال کند یا اعلام جرم را به تأخیر بیندازد به حداکثر جریمه نقدی محکوم خواهند شد.»

تنها تفاوت تبصره با آنچه در اصل ماده آمده است، این است که این تبصره صرفاً جرم و جنایتی را مد نظر قرار داده است که مأمور دولتی در حین انجام وظیفه با آن‌ها برخورد می‌نماید،

## ۲-۵- اعلام دروغین هویت به مقامات قضایی با اداری

ماده ۴۰۵ قانون جزای لبنان که در تاریخ ۱۹۹۳/۰۵/۲۷ اصلاح شده است، مقرر می‌دارد: «اعلام دروغ یا غیرحقیقی به کسانی که دارای اختیارات قضایی یا اداری می‌باشند، درخصوص اسم یا مشخصات یا محل اقامت یا محل سکونت، با این هدف که مقامات قضایی با اداری تحقیقات بی‌مورد و بی‌فایده‌ای را انجام دهند، این عمل مجرمانه تلقی می‌شود و به مجازات حبس حداکثر تا شش ماه و یا جریمه نقدی تا صد هزار لیره محکوم خواهد شد.»

ارزش مورد حمایت در این ماده، این است که اطلاعات و اطلاعات به مسؤولان قضایی و اداری باید مطابق با واقع باشد تا به دنبال کشف حقیقت، عدالت اجرا شود. کسانی که با اعمال دروغین، مسؤولان قضایی یا اداری را به اشتباه بیندازند، قصد آنان اطاله دادرسی و یا معطل ماندن عدالت باشد، مجرم محسوب می‌شوند و به نظر می‌رسد جرم ناظر به کسانی است که با علم و اطلاع از این که مرتکب جرم شده‌اند و با اعلام دروغ، مقامات قضایی یا اداری را به مرحله تحقیقات واهی سوق می‌دهند. عنصر مادی، ارتکاب فعل اعلام برخلاف حقیقت، توسط شخص مرتکب تحقیق می‌یابد. عنصر معنوی این جرم نیز علم به دروغین یا برخلاف حقیقت بودن اطلاعات است. ماده ۴۰۶ از قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هرکس در حین تحقیقات قضایی یا محاکمات قضایی خودش را به اسم دیگری منتسب کند، به مجازات حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

با ملاحظه قانون مجازات اسلامی چیزی شبیه به آنچه که قانون‌گذار لبنانی درخصوص اعلام دروغین هویت مورد توجه قرار داده و آن را به عنوان جرم قلمداد کرده است، در حقوق جزای ایران یافت نمی‌گردد. قانون‌گذار ایرانی در قانون مجازات اسلامی و در باب تعذبات مأموران دولتی مواردی را اشاره نموده که گذشته از این که خاص مأموران دولتی است و به هیچ وجه قابل تسری به افراد عادی جامعه ندارد که این موارد نیز تحت هیچ عنوان قابل مقایسه با آنچه که در قانون جزای لبنان آمده نمی‌باشد و این خلأ جرم‌انگاری در این خصوص در قانون ایران کاملاً محسوس و باتوجه به این که ارائه هویت مجهول باعث به نتیجه نرسیدن تحقیقات و خدشه در امر شناسایی متهمان و گمراه شدن قاضی تحقیق می‌گردد،

(۱۳۶۹) مقرر می‌دارد: «در این موارد (جرایم موضوع این قانون مدیر یا مدیران و بازرسان و به طور کلی مسؤول با مسؤولان ذی ربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند، مکلف‌اند در زمینه جلوگیری از آن با آگاه‌ساختن افراد از آن یا آگاه‌ساختن افراد با مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند، اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکالیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند، معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند.» از دیگر مصادیق عدم اعلام جرم ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی می‌باشد که برای ترک فعل مسؤولان و مدیرهای واحدهای دولتی راجع به عدم اعلام جرم ارتشاء، اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری و ... در واحد تحت نظارت یا اداره خود به مراجع صلاحیت‌دار قضایی با اداری، مجازات حبس و انفصال موقت در نظر گرفته است (قربانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۹).

جرم مذکور از قبیل جرایم ترک فعل و مستمر و مطلق می‌باشد، زیرا استمرار عدم اعلام، کافی است و از سوی دیگر ضرورتی برای وقوع نتیجه ندارد. همچنین دفن جسد مقتول بدون اعلام به مأموران کشف، مستند به ماده ۶۳۶ قانون مجازات اسلامی به دلیل این که امکان دارد موجب عدم شناسایی تعقیب قاتل و کشف قتل گردد و عدالت اجرا نشود، جرم ترقی شده است (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۸۴: ۸۵-۵۰).

قانون‌گذار می‌بایست در جهت بهتر اجرای عدالت، ضمن این که عدم اعلام برخی از جرایم را جرم تلقی نماید، باتوجه به این که در برخی از موارد به دلیل پیچیدگی موضوع در صورت عدم اطلاع وقوع جرم توسط افراد به مراجع قضایی ممکن است هیچ گاه جرمی خواص کشف نشود، لذا ضروری است که تسهیلاتی را نیز به افراد که وقوع جرایم را اطلاع‌رسانی می‌کنند قرار دهد، کما این که در ماده ۳۳ کنوانسیون مقابله با فساد تحت عنوان حمایت از گزارش‌دهنده، کشورهای عضو ملزم به انجام اقدامات مقتضی به منظور تأمین حمایت از کسانی که جرایم مربوطه را به مقامات صلاحیت‌دار گزارش می‌دهند، نموده است.

لذا ضروری است که قانون‌گذاری با جرم‌انگاری ارائه هویت مجهول به مقامات رسمی به این خلأ پایان دهد.

### نتیجه‌گیری

قانون جزای فرانسه قانون‌گذار فصلی را به جرایم علیه قضایی اختصاص داده، بدون این که فصلی را به این عنوان اختصاص دهد، اما قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به‌طور پراکنده و به مناسبت‌های مختلف اعمالی که محل روند عدالت و احقاق حقوق اشخاص است را جرم‌انگاری کرده است. با بررسی قوانین جزایی ایران و لبنان می‌توان گفت با توجه به اهمیت و تأثیر جرایم علیه عدالت قضایی در دادرسی عادلانه قانون‌گذار ایرانی نیز همانند قانون‌گذار لبنانی بخشی مستقل از قوانین جزایی را تحت عنوان جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیق و صدور در حکم و اجرا، به این امر اختصاص دهد و کلیه افعال و ترک افعالی که کوچک‌ترین خدشه‌ای را به اجرای عدالت و تضییع حقوق مردم وارد می‌سازند را جرم‌انگاری نمایند. درنهایت با مقایسه قوانین این دو کشور با قوانین ایران می‌توان گفت جرایم علیه عدالت قضایی در اکثر کشورهای مورد مطالعه مورد توجه جدی مراجع قانون‌گذاری این کشورها قرار گرفته که این موارد می‌تواند از اهمیت و ضرورت جرم‌انگاری این جرایم در اکثر کشورها محسوب شود. جرم‌انگاری جرایم علیه عدالت قضایی در کلیه مراحل رسیدگی به‌صورت جامع در یک فصل مستقل از قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شود تا علاوه بر جنبه اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی، دسترسی به آن نیز سهل شود، برخی از کشورها مانند فرانسه چنین کرده‌اند.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

### منابع و مأخذ

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۱). «بررسی تطبیقی جرایم محل جریان عدالت کیفری در حقوق ایران و فرانسه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدرحیم مهدوی ثابت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- اسدی، لیلا (۱۳۸۴). «بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران و اردن». نشریه فقه و حقوق خانواده، ۵۴-۳۷: (۳۷-۳۸)۵.

- آقای، محسن (۱۳۹۳). «جرایم علیه عدالت قضایی در نظام حقوق کیفری ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد توران توسلی زاده، کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی.

- آماده، غلامحسین (۱۳۸۶). «جرایم علیه عدالت قضایی در قانون مجازات امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران». مجله عدالت آرا، ۲(۸): ۵۱-۷۷.

- بیگی، جمال و محمدزاده، اکرم (۱۳۹۲). «تأملی بر جرم‌انگاری شکنجه در ایران به عنوان جرم علیه عدالت قضایی». مجله حقوق ملل، ۳(۱۱): ۵۳۹-۵۵۶.

- جلیلووند، یحیی و یوسفی‌محله، ابراهیم (۱۳۹۲). عدالت قضایی در آئینه آراء حقوقی. چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه/جنگل.

- حسن‌پور، جمیل؛ صدیق، میرابراهیم و همراهی، راضیه (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در پنج کشور آمریکا، آلمان، آلبانی، ایران و فرانسه». فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی، ۱۱(۳۹): ۲۶۷-۲۷۱.

- یکرنگی، محمد (۱۳۸۷). «جرایم علیه اجرای عدالت قضایی در تاریخ حقوق مشرق زمین». فصلنامه ادبیات و علوم انسانی، ۳ (۱۰-۱۱): ۱۶۳-۲۵۱.

- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۷). اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری). چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۴). «عدالت حقوقی». فصلنامه ندای صادق، ۱۰ (۴۰): ۸۵-۵۰.

- فجری، علیرضا (۱۳۹۰). جرایم علیه عدالت قضایی. چاپ اول، قم: پژوهشکده باقرالعلوم.

- فلکی، محسن و جزایری، سیدعباس (۱۴۰۰). «جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله اجرای حکم در حقوق کیفری ایران». مجله مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۴ (۴۱): ۷۹-۹۱.

- قربانی، ابراهیم؛ عباسی، سجاد و ابراهیمی آغبلاغ، علی (۱۴۰۱). «جلوه‌های جرایم علیه عدالت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مطالعه موردی: مرحله کشف جرم». فصلنامه اندیشه حقوقی، ۳ (۱۰): ۶۵-۴۶.

- کاظمی، مهرداد و فضلی، یاور (۱۳۸۸). «جرایم علیه عدالت قضایی مطالعه تطبیقی حقوق ایران و لبنان با نگرشی به کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد». نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۵ (۴۶-۴۷): ۱۶۴-۱۲۳.

- کوشا، جعفر (۱۳۸۹). جرایم علیه عدالت قضایی. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

- گلدوست، محمد (۱۳۹۵). «بررسی جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق کیفری ایران و قرآن کریم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد وحید زارعی شریف، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی.

- نجارزادگان، فتح‌الله و مسعودیان، مصطفی (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران». فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۱ (۳): ۴۳-۳۳.

- ولیدی، صالح (۱۳۸۹). جرایم علیه اجرای عدالت قضایی. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.